



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

پنجشنبه ۲۳ دسامبر ۲۰۲۱

حمید انوری

## "خلق \* را تقلید شان بر باد داد"

خلق را تقلید شان بر باد داد

ای دوصد لعنت بر این تقلید باد

سر آن نداشتم تا به نوشته های انتقادی خود ادامه دهم، اما گاهی اوقات اگر خاموش بنشینم، البته و صد البته گناه است، گناه در این مختصر به منزله خطا بکار رفته است، چه در این عصر و زمانه هیچ کسی را ترسی از گناه نیست و هرچه گناه بیشتر، سود بیشتر و...

و اما مگر می شود در مقابل و در برابر هر ناصوابی خاموشی گزید؟! از طول و تفصیل موضوع میگذرم و به اصل مطلب می پردازم. به این نوشته بی سر و پا در سایت

"افغان- جرمن آنلاین" اندکی دقت کنید: [ما و پشتون ها](#)

لاجرم با دیدن این عنوان، هزار و یک فکر و چرت و مشغله ما را به خود می پیچد و...

اما با هزاران درد و دریغ دیده می شود که در نوشته متذکره، صرف نظر از اغلاط املائی، انشائی و طباعتی، با زیرکی تمام تلاش شده است تا وظیفه نامقدس تبلیغاتی را برای شاخه "خلق"، حزب منحل دیموکراتیک خلق، انجام دهد و آنهم تحت عنوان همدلی با قوم شریف پشتون و...

دیده می شود که در این اواخر نظر به دلایلی مسائل قوم و قوم بازی و قوم پرستی و...، بین هموطنان ما بازار گرم و داغی یافته است. این یکی داد و فریاد راه انداخته است که "پشتو لسان جنت است" و آن دیگری پشتون ها را "بقایای گمشده قوم یهود" قلمداد میکند و این آخری هم که تنور قوم پرستی را داغ دیده است، تلاش دارد تا دوده خلقی های تاریخزده و خلق شرمانده و خدازده "حزب دیموکراتیک" خود را در این تنور داغ بپزد. او می نویسد:

"... ۴. حزب خلق، تنها حزب سیاسی با تشکیلات مدرن در تاریخ افغانستان است که در تاسیس آن پشتون های چپ گرا از دیگران نقش برجسته تر داشتند. این دوره عصر طلایی برای زنان بود. صد البته که زنان پشتون بیشترین استفاده را کردند. نغمه تنها آوازخوان زن در گروه هنری وزارت داخله در حکومت چپی ها بود. بسیاری از دختران پشتون برای درس و تحصیل در خارج از کشور رفتند. .."

این هموطن خلقی ما تلاش کرده است تا از کاروان قوم پرستی دور نماند و کور کورانه تقلید کرده است تا گویا هم‌رنگ جماعت گردیده و تحت نام دفاع از قوم شریف پشتون، خمیر فطیر حزب منحلۀ خود را، کلچه ساخته و در این تنور داغ بپزد که گویا پزیده است و در تنور "افغان-جرمن آنلین"، کلچه های فطیر او، جایکه ای برای خود دست و پا کرده است.

در زمان قدرتمداری حزب نادیموکرتیک و ضد خلق و نیز بعد از تجاوز وحشیانه عساکر تجاوزگر رو سیۀ شوروی به سرزمین مقدس ما، خلقی های پشتون تبار روزگاری را بالای مردم رنج دیده افغانستان تحمیل کردند که در تاریخ نظیر آن کمتر دیده شده است.

"حفیظ الله امین" پشتون، رهبر بی خرد این دسته وطنفروشان، لیست بیست هزار (۲۰۰۰۰) از هموطنان ما را در دیوار های وزارت داخلۀ آن زمان آویخت که در ظرف چند ماه محدود، توسط این باند جنایتکار به قتل رسیده بودند. او مدعی بود که آن کشتار وحشتناک به امر مستقیم "تره کی"، رهبر دیگر پشتون تبار آن حزب جنایتگستر، صورت گرفته است.

بعد ها "امین" نا امین در دفتر مفشن کار خود به آن عده از خواهران افغان که شوهران شان را حزب نادیموکرتیک و ضد خلق، بلعیده و نیست و نابود کرده بود، با تبختر عجیب و غرور تهوع آوری میگفت: "شوهران شما پاکستان رفته اند، بروید دوباره شوهر کنید". قصه های "نور محمد تره کی" را اگر روی کاغذ بیآوریم، قلم از نوشتن آن شرم دارد.

"... حزب خلق، تنها حزب سیاسی با تشکیلات مدرن در تاریخ افغانستان است که در تاسیس آن پشتون های چپ گرا از دیگران نقش برجسته تر داشتند. این دوره عصر طلایی برای زنان بود..."

خدمت این خلقی تاریخزده باید عرض کرد که "تشکیلات مدرن" از نظر خلقی ها و پرچمی ها همانا، تشکیلات جاسوسی، خبرچینی، گیر و گرفت، زنجیر و زولانه و قین و فانه و بند از بند بریدن و زنده به گور کردن ها بود و گور های دسته جمعی و قتل و کشتار هموطنان مظلوم ما و الحق که خلقی ها در آن تشکیلات "نقش برجسته تر داشتند".

بلی آن دوره سیاه و تاریک و خون آلود "عصر طلایی برای زنان بود". سردمداران آن هم زنان بد کاره و فاحشه های سیاسی چون "ناهیته راتب زاد"، "جمیله پلوشه"، "ثریا پرلیکا"، "سهیلا صدیق"، "نظیفه ذکی" و امثال شان بودند که زنان افغان را با زور سرنیزه به حزب می بردند و در نتیجه به جنرالان و افسران روسی پیشکش میکردند تا به مقامات بلندتری ارتقا کنند. پس باید هم "عصر طلایی برای زنان" بوده باشد. در حقیقت نه عصر طلایی، بلکه عصر تاریکی.

تأکید بیشتر این خلقی زبرداری گریختگی فقط بالای خانم "نغه" هنرمند خوش آواز افغانستان است، اینکه بر این زنان مظلوم و دربند کشیده شده افغان، به شمول زنده یاد "بخت زمینه" در وزارت های داخله و امنیت رژیم کودتا چها رفت، بر همگان چون آفتاب روشن است. این خلقی زبرداری گریختگی بی چشم و رو ادامه میدهد:

**"... بسیاری از دختران پشتون برای درس و تحصیل در خارج از کشور رفتند..."**

در اینجا دو سوال مطرح می شود: یکی اینکه چرا فقط دختران پشتون؟ و دیگر اینکه خارج از کشور مشخص نشده است که در آن زمان فقط رو سیاه شوروی و اقمار آن بود و دگر هیچ.

در هر حال آن تعداد دختران و پسران که بعد از شمولیت به حزب وطن فروشان، به خارج از کشور، یعنی رو سیاه و آلمان شرق آن زمان و چکسلواکیای آن زمان و پولند و...، فرستاده می شدند، مجبور و مکلف بودند که در قدم اول عضویت حزب کمونیست آن کشور ها را دریافت کنند تا در نتیجه موفق به دریافت اسناد تحصیلی گردند. واقعاً هم که "تف سر بالا، به روی خود انسان می افتد" و هم اینکه این تقلید کورکورانه ما را به بیراهه می کشاند، هرچند منظور اصلی و اساسی هم همانا دفاع از حزب نادموکراتیک و ضد خلق باشد، تحت عنوان هموائی با قوم شریف پشتون. به این میگویند "آب را گل آلود کردن و ماهی گرفتن". شرم تان باد که هیچگاه دست از تفتین و توطئه بر نمی دارید. کاش سایت های انترنتی مطرح، اندکی در نشر مضامین وارده دقت بیشتری بخرچ دهند. بگفته مشهور وطنی ما: "بقه که تقلید مار کرد، زد خود را افگار کرد"

**خلق را تقلید شان بر باد داد**

**ای دوصد لعنت بر این تقلید باد**

---

\*منظور از حزب منحلہ خلق است